

انتخابات شورای های اسلامی کار و وظائف ما

اسلامی برانتخابات نظارت خواهد کرد. " در سطح استان ها نیز ستادهای مرکزی برای تشکیل شوراها دارای چنین ترکیبی خواهند بود: نماینده مدیرکل استان، نماینده اداره کل سازمان های کارگری و کارفرمایی از مرکز و نماینده انجمن اسلامی و یا کارگران در سطح استان. " بدین ترتیب معلوم می شود که کارگران کمتر از همه در نظارت بر تشکیل شوراها محق هستند.

طبق قانون شوراها و به تصریح سلامتی، وزارت کار در آینده نزدیک در واحدهای بالای ۲۵ نفر دست به انتخابات خواهد زد. تعداد این واحدها سه هزار برآورد می شود، که اکثر آنها متعلق به بخش خصوصی است. این واحدها قریب ۵۰۰ هزار کارگر و کارمند، را دربرمی گیرند. مهمترین این واحدها، ۱۴ مجتمع و کارخانه ای بقیه در ص ۲

چنانکه معاون وزیر کار اعلام داشت، آیین نامه انتخابات شورای های اسلامی کار (این بار هم به مانند قانون ارتجاعی شوراها، مخفیانه و بدون مشارکت کارگران) به تصویب دولت رسید و در تاریخ ۶ شهریور برای اجرا به وزارت کار ابلاغ شد. در مصاحبه سلامتی که بدین مناسبت در اطلاعات به چاپ رسیده است، مطابق معمول حکومتی، کارگران مورد تحقیر و تهدید قرار گرفته اند. معاون وزیر کار می گوید: " اگر تشکیل مجمع به تاخیر بیافتد یا حد نصاب لازم را به دست نیآورد، طبق ماده ۸ آیین نامه انتخابات، ممکن است تشکیل شوراها ی اسلامی کار یکسال به تاخیر بیافتد. " او سپس برای اینکه هرگونه شکی را در مورد آزادی انتخابات شوراها از بین ببرد، می افزاید: " وزارت کار در ارتباط با مدیریت ها و انجمن های



دوره هشتم سال دوم شماره ۷۲
پنجشنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

سالگرد تیرباران اولین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران

سروان شهربانی نوراله شفاء، سرگرد ژاندارمری نصراله عطارد و شاعر انقلابی مرتضی کیوان در برابر جوخه تیرباران قرار گرفتند و با فریاد قهرمانانه مرگ برشاه و درود بر حزب توده ایران زندگی را بدرود گفتند. این فرزندان قهرمان خلق تا آخرین لحظه زندگی به آرمانهای انقلابی خود وفادار ماندند و در دفاع از منافع رحمتکشان و مبارزه علیه رژیم آمریکایی شاه از پای نایستادند. یادشان گرامی و راهشان پر رهرو باد!

۲۷ مهر، سی و یکمین سالروز تیرباران اولین گروه افسران سازمان نظامی حزب توده ایران است. در سپیده دم چنین روزی در سال ۱۳۳۲، افسران میهن پرست توده ای، رفقا سرهنگ عزت الله سیامک، ستوان یکم عباس افراخته، نعمت اله عزیززی، نین، سرهنگ محمد علی مبشری، سروان شهربانی نظام الدین مدنی، سروان شهربانی محمدعلی واعظ قائمی، سرگرد هوشنگ وزیریان،

جنبش دهقانی و وظائف توده ای ها

تراشیدن موی سر آنان می کنند " (همانجا). خبر این اعتراض، شکایت، دادخواهی و بازگشت و ترک تازی خوانین و فئودال ها و بزرگی زمینداران به منطقه سمیرم، نه نخستین خبر در این زمینه بود و نه آخرین خبر خواهد بود. از اواخر سال ۶۱ به ریزه درپی فرمان هشت ماده ای خمینی، روند بازپس گرفتن زمین از دهقانان دامنه وسیعی به خود گرفت. از آن پس هر چندی یک بار خبری از درگیری ها و سرکوب مبارزات دهقانی در روزنامه های به گفته منتظری " ارگان حکومتی " انعکاس یافته است. مجموعه این خبرها اساساً نشان دهنده همکاری نزدیک زمینداران بزرگ و فئودالها و خانهای فراری با قوه قضائیه و نهادهای سرکوبگر رژیم است. دادگاه ها با الهام از تعالیم و فتاوی خمینی به سود مالکان فراری حکم صادر می کنند و نهادهای سرکوبگر هم به ضرب سرنیزه و قنداق تفنگ، با به خاک و خون کشیدن جنبش پایداری دهقانان و راهی سیاهچال ساختن آنها، این احکام ظالمانه را به اجرا می گذارند.

روزنامه کیهان ۲۵ شهریور، خبر از اجتماع "تعدادی از روستائیان و کشاورزان ستمدیده منطقه سمیرم" در صبح روز ۲۴ شهریور در برابر مجلس می دهد. "کیهان" می نویسد: "این روستائیان که اکثراً سالخورده، چهره آفتاب خورده و دستهای پینه بسته شان حکایت از تلاش چندین ساله آنها در کشاورزی دارد به همراه خانواده و فرزندان خود به تهران آمده اند و خواستار رسیدگی به مشکلات زمین های کشاورزی خود هستند". این دهقانان در برابر مجلس بانک اعتراض خود را بلند می کنند زیرا بر زمین هایی که از ۵۰ سال پیش روی آنها سرگرم کشت برده اند، اخیراً "خوانین عشایر" زیر چتر حمایت "مقامات مسئول" چنگ انداخته اند. همچنین چندی پیش، وقتی دهقانان در صدد دادخواهی از "برخی از مقامات" برمی آیند، "دادگاه سمیرم پس از وقوف از این موضوع دستور بازداشت تعداد ۲۱ نفر از این افراد کشاورز که بعضاً سالخورده و فرتوت بوده اند را بدون اثبات جرم و به مدت ۲ روز صادر نموده و در این اثنا حتی مبادرت به

باید شکنجه گران را وادار به عقب نشینی کرد

ایستادگی در زندانهای ج.ا. اوج تازه ای گرفته و به همان نسبت بر میزان سببیت رژیم و شکنجه جسمی و روانی زندانیان سیاسی افزوده شده است. تازه ترین خبرها بیانگر آن است که حاکمان "شرع" به وسیله چشم و گوشهای خود حرکات و رفتار زندانیان را تحت کنترل شدید قرار داده اند و بویژه می کوشند تا مانع نفوذ اخبار مقاومت به خارج از زندانها بشوند. زندانبانان با استفاده از شیوه های گوناگون که اغلب آنها تاکنون به وسیله "نامه مردم" افشا شده به ایجاد جو خفقان می پردازند و هر وسیله ای را بکار می گیرند تا روحیه مقاومت زندانیان را درهم شکنند، اما زندانیان سیاسی توطئه های جورواجور رژیم را خنثی می کنند.

در جریان انتخابات رئیس جمهوری، حاکمان شرع کوشیدند تا با تهدید و تمهید زندانیان زندانیان سیاسی را وادار به دادن رأی کنند، اما اکثریت زندانیان در انتخابات شرکت نکردند و همین مسئله سبب جنون و کینه حیوانی حاکمان شرع و شکنجه گران گردید. عوال رژیم به درون بندها ریختند و به عنوان "مجازات" با فحاشی و کتک، کارهای دستی، کتابهای درسی و حتی لباسها و لوازم شخصی زندانیان را به یغما بردند. اما این اعمال غیرانسانی آتش خشم زندانیان را تیزتر کرد و موجب شد که اعتراض آنان نسبت به رژیم بیشتر بالا بگیرد، بطوری که مسئولین زندان ناگزیر از عقب نشینی شدند و پس از مدتی کتابهای درسی و بخشی از لوازم غارت شده را پس دادند. با اینحال رژیم روزبروز بر دامنه اذیت و آزار زندانیان می افزاید. زندانبانان حتی در زمینه برآوردن عادی ترین نیازهای روزمره زندانیان، مانند رفتن به توالت، غذا خوردن، خوابیدن، حمام رفتن، هواخوری و غیره مانع ایجاد می کنند. گاهی آنقدر مانع رفتن زندانی به توالت می شوند که دچار بی اختیاری در بقیه در ص ۶

ویژگی های جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری در دهه ۸۰

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

انتخابات شورای های اسلامی کار ۰۰

بقیه از ص ۱

است که هر یک پیش از هزار کارگر و کارمند را شامل می شوند. بدین ترتیب با در نظر گرفتن ابعاد واحدهای شامل قانون شوراها، اهمیت وظایف ما در این عرصه روشن می شود.

انتخابات شوراها امکانات جدیدی جهت افشاکری، کار توضیحی و سازماندهی در میان کارگران فراهم می آورد. تجمع های کارگری در کارخانجات همواره عرصه مبارزه کارگران با نمایندگان انجمن اسلامی، وزارت کار و مدیریت بوده و از این نظر اکثراً ثمربخش بوده اند. ما باید کارگران و کارمندان را برای مبارزه در این تجمع ها، آماده کنیم؛

ما باید ماهیت ارتجاعی قانون شوراها و اهداف رژیم از تصویب آن را برای کارگران و کارمندان روشن کنیم.

شوراهای موضوع این قانون با شوراهای محصول انقلاب بهمین که از بطن مبارزات کارگران و زحمتکشان چوشیده اند و تشکل هایی صنفی - انقلابی بودند، تفاوت ماهوی دارند. رژیم از یکسو نقش کارگران را در مدیریت بسیار محدود کرده و عملاً به هیچ تبدیل کرده است و از سوی دیگر، وظایف صنفی کارگران را به این شوراها، که با عضویت نماینده مدیریت رسمیت می یابد، داده است. هدف رژیم از این کار این است که این "شوراها" را به عنوان تنها تشکل قانونی و ممکن که هم نمایندگان کارگران و زحمتکشان و هم نمایندگان کارفرما را در بر می گیرد، تثبیت نماید و بدین ترتیب نهادهای سازش طبقاتی را جایگزین سازمان های صنفی طبقاتی کارگران نماید. رژیم از طریق این قانون سعی دارد تا این شوراها را به زائده انجمن های اسلامی و کارفرمایان تبدیل کند. در چهارچوب این قانون، شوراها کاملاً تحت کنترل وزارت کار، انجمن های اسلامی و کارفرمایان قرار دارند و چماق انحلال آنها یا خلع عضویت نمایندگان کارگران از طرف هیئت های تشخیصی که نمایندگان کارفرمایان و دولت در آنها اکثریت دارند، این شوراها را دائماً تهدید می کند.

حزب توده ایران از همان فردای پیروزی انقلاب و تشکیل "شوراها" بر این نظر بود که کارگران و زحمتکشان به سازمان صنفی طبقاتی خود (سندیکا، اتحادیه، انجمن و...) نیازمندند و جلوگیری از ایجاد این سازمان ها با هر بهانه و توجیهی که صورت گیرد، به نفع طبقه کارگر نیست این سیاست اصولی حزب ما، اکنون که حاکمیت سیاست ضد کارگری خود را تشدید کرده است، بیش از پیش صحت خود را نشان می دهد. تبلیغ خط مشی و برنامه حزب مادر میان کارگران و زحمتکشان، به ویژه در مورد سازمان های صنفی، وظیفه درجه اول تمام توده ای ها است. ما به شوراهایی که در شرف تأسیس هستند، به چشم سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشان نگاه نمی کنیم ولی کوشش می کنیم تا حدمسکن از امکانات آنها جهت دفاع از منافع

جنبش دهقانی و وظائف توده ای ها

بقیه از ص ۱

بجاست به جلوه هایی از مقاومت و مبارزه دهقانان نظر افکنیم:

یک روزنماینده زرنده کرمان به "قوه قضائیه" این گونه تذکر می دهد که: "... مدتی است که بطور مرموزی از سوی بعضی از قضات با پرونده سازی، اراضی را از دست کشاورزان که دهها سال روی زمین کار کرده اند خارج و به عمده مالکین برمی گردانند و در صورت امتناع از اجرای حکم آنها را به زندان می اندازند، از جمله جمعی از کشاورزان گرمسار که اخیراً زندانی شده اند" (کیهان، ۲۰ آذرماه ۶۴).

خبر فوق نشانگر گردن نهادن دهقانان به احکام جابرانه دادگاه ها است.

روز دیگر "درگیری و شورش" در روستای "کعب موزان" خوزستان به چاپ می رسد. فوادکریمی، نماینده اهواز در ۱۸ آذرماه ۶۴ در این باره، در مجلس گفت: "... اواخر سال ۶۱ ... کم

زحمتکشان، استفاده کنیم. درعین حال فعالیت های خود را برای تحقق خواست ایجاد سازمان های علنی صنفی مستقل کارگران و زحمتکشان نیز ادامه می دهیم. در شرایط ترور و خفقان کنونی و ضرورت تلفیق شیوه های کارمخفی و علنی، تشکیل هسته های رهبری صنفی مخفی در کارخانجات، به منظور هماهنگی و سازماندهی مبارزات کارگران، ضرورت دارد. این هسته ها می توانند نقش موثری در پیشبرد مبارزه کارگران ایفا کنند.

یک عرصه مهم مبارزاتی در انتخابات شوراها، کاندیدشدن و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران است. وزارت کار، انجمن های اسلامی و کارفرمایان مسلماً خواهند کوشید تا با تکیه بر مواد قانون ارتجاعی شوراهای اسلامی کار، از کاندیدشدن و انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و کارمندان جلوگیری کنند. رژیم تلاش می کند تا قانونی را که دور از چشم کارگران به تصویب رسانده است، در حضور آنان عملی سازد. اما کارگران با اتکا به نیروی عظیم خود، نباید بگذارند حشمان پایمال شود.

تردید نیست که حتی اگر نمایندگان واقعی کارگران به "شوراهای اسلامی کار" راه یابند، ترکیب و عملکرد آنها باز هم به نفع کارفرمایان مورد حمایت رژیم خواهد بود. علیرغم آن کارگران میهن ما باید تمام تلاش خود را بکار ببندند که نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند تا موانعی هرچند جزئی در برابر فعال مایشائی کارفرمایان و کارگزاران رژیم بوجود آورند. شرکت موثر در مبارزات روزمره کارگران در چهارچوب قوانین ارتجاعی رژیم حاکم نه تنها منافاتی با مبارزات اساسی آنان علیه حاکمیت، "قانون کار" و "قانون شوراهای اسلامی کار" ندارد بلکه لازمه و مکمل آن است. طبقه کارگر تاکنون بارها نشان داده است که در صورت اتحاد و اتحادیه که برپایه آگاهی و سازماندهی استوار باشد، قادر است به خواست های برحق خود دست یابد.

کم سر و کله شیوخ پیدا شد... و باتوسل به برخی از مسئولین قضائی هر روز آتش این فتنه را در استان خوزستان افروخته تر کرده و فاجعه ها می آفرینند" (اطلاعات ۱۹ آذرماه ۶۴). ناگفته نماند در جریان "درگیری (مسلحانه) و شورش در روستا" عده ای از کشاورزان حق طلب به همراه زنان و کودکان شیرخوار خود "دستگیر و بازداشت و زندانی" می شوند و دوتن کشته و ۲۰ تن مجروح برجای می ماند.

وباز روز دیگری از زبان ۷۰ خانوار خوش نشین روستای "گوشه مرادخانی نهاوند" می خوانیم: "... زمینی از سوی هیات های هفت نفره واگذاری زمین استان همدان و با نظارت شورای کشت در اختیار ما قرار گرفت اما با بازگشت مالکین اوضاع ما روستائیان نیز تغییر کرد، مالک زمین پس از بازگشت با کمک طرفدارانش به ضرب و شتم روستائیان که بر روی زمین ها کشت نموده بودند پرداخته و آنان را آواره و سرگردان نموده است. گزارش این درگیری که دهها نفر مجروح و مصدوم برجای گذاشت

به همراه شکایتی از سوی روستائیان طی نامه شماره ۲۹۷۸ که در شورای عالی قضایی ثبت گردیده به اطلاع مراجع قضایی رسیده است. اما تا کنون اقدامی نشده است ... مگر هیات های هفت نفره واگذاری زمین ارگانی قانونی نیستند که رای این هیات به راحتی از سوی مالکان بزرگ زیرپا گذاشته می شود (۴)... " (کیهان ۲ اردیبهشت ۶۴).

حقیقت آنست که پیکار طبقاتی سختی در روستاهای ایران در جریان است. در عرصه این پیکار، در یک سو دهقانان بی زمین و کم زمین و دیگر زحمتکشان روستا قرار دارند و در سوی دیگر زمینداران بزرگ، فئودالها و خوانینی صف آرای کرده اند که رژیم "ولایت فقیه" از آنها پشتیبانی می کند.

عدم اجرای اصلاحات ارضی و آبی بنیادی، زندگی نکبت بار، بهره کشی بیرحمانه، استرداد زمین های تقسیم شده در جریان پیروزی انقلاب و بازپس دادن آنها به زمینداران بزرگ از جمله مظاهر سیاست ضد دهقانی و ضد انقلابی رژیم بشمار می روند که هر روز فاجعه های تازه ای در روستاهای کشور می آفرینند و در نتیجه آتش مبارزه دهقانی را شعله ورتر می سازند. دهقانان که از آب و آتش تجربه پر بار انقلاب بهمین گذشته اند، رفته رفته به اشکال و شیوه های گوناگون برای پاسداری از حقوق و منافع برحق خویش با شور انقلابی بیشتری بپا می خیزند. در روند این مبارزه گسترش یابنده، دهقانان هر روز به آگاهی بیشتری دست می یابند و رشته های امید و انتظار خود از رژیم را علیرغم عوامفریبی های گوناگون آن، می برند. خصلت اقدام هماهنگ و جمعی در مبارزه دهقانان در سطح یک روستا یا یک منطقه جلوه درخشانی از تعمیق آگاهی و مبارزه و تجربه اندوزی دهقانان است. برخاسته از علل و عوامل عینی، مبارزه دهقانان بخاطر دستیابی به خواستهای عاجل و انقلابی خود در پیوند با ناخشنودی و مبارزه

بقیه در ص ۶

قبرستان اتوبوسهای اسقاطی یا مدارس نو بنیاد رژیم

با آغاز سال تحصیلی جدید، گروهی از فرزندان ستم دیده ترین مردم زحمتکش کشور ما که برای ثبت نام به مدارس مراجعه می کنند بادهای بسته این اماکن آموزشی مواجه می شوند. تعطیل این مدارس بخاطر آن است که دادگاه های رژیم تاکنون برای تامین رضایت ممالکین بانفوذ صدها حکم تخلیه مدارس دولتی استیجاری را در سراسر کشور صادر کرده اند و بخشی از آن احکام را به مورد اجرا گذاشته اند. مدیرکل دفتر حقوقی وزارت آموزش و پرورش ج.ا. طلی گفتگویی با کیهان در مورد احکام تخلیه مدارس در سراسر کشور از جمله گفت: " ۵۰ مورد حکم تخلیه آن مربوط به ۲۰ منطقه تهران است و قرار است در همین روزها تخلیه شوند" (۲۰ تیرماه ۶۴). مقام دیگری از وزارت آموزش و پرورش رژیم در همین شماره کیهان، در مورد برنامه تبدیل قبرستان های اتوبوس های اسقاطی به مدارس، افزوده است: " البته ما در فکر دانش آموزان مدرسه ... هستیم و در حال حاضر نیز با شرکت واحد مذاکراتی داشتیم تا انشأاله با استفاده از تعدادی اتوبوس از رده خارج، و استقرار آنها در محلی با فتهای باز، مدرسه تشکیل شود و به درس آنان لطمه نخورد."

معاون اداری و مالی منطقه ۱۲ آموزش و پرورش در جریان گفتگو با گزارشگر کیهان در زمینه معضل کمبود مدرسه و تعطیل شدن مدارس دولتی استیجاری در منطقه ۱۲، از جمله مدرسه " شهید اندرزگو " واقع در محله مفت آباد یکی از محروم ترین نقاط شرق تهران که تا چند کیلومتری آن مدرسه دیگری وجود ندارد، اعلام کرد: " در این منطقه ۵۴ مدرسه استیجاری وجود دارد که تاکنون برای ۸ مدرسه (با ظرفیت ۲ هزار دانش آموز) حکم تخلیه صادر شده... و اگر وضع به همین منوال پیش برود سال آینده با حکم تخلیه بیشتری در این منطقه روبرو خواهیم بود... و معلوم نیست تکلیف هزاران دانش آموز محروم و مستضعف این منطقه چه خواهد شد؟ " (کیهان ۲۰ تیرماه ۶۴). وی سپس از جانشینی مدارس استیجاری با اتوبوس های اسقاطی (مرسدس بنز آلمانی به جای مدارس یک طبقه و لیلاند انگلیسی بجای مدارس دو طبقه) افزود: " این اقدام برای روزهای پاییز که هوا معتدل است، موثر خواهد بود ولی باید توجه داشت که بلافاصله پس از شروع درس ها، زمستان و سرمای سخت از راه می رسد لذا از مسئولین این امر می خواهیم در این مورد فکری بیندیشند و اقدامی موثر صورت دهند، چرا که اگر در روزهای آینده دیگر مدارس استیجاری نیز تخته شوند، مشکل از این که هست بیشتر خواهد شد."

این " مسئولین امر " که از آنها خواسته می شود " فکری بیندیشند " و " اقدام موثری صورت

دهند " چه کسانی هستند؟ یکی از آنها اکرمی وزیر آموزش و پرورش است که در آغاز سال تحصیلی با وعده های نسیه به سراغ مردم آمده است. مثلا وی درباره تخلیه مدارس استیجاری طی مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود می گوید:

" با شورای عالی قضائی تماس گرفته شد که جلوی تخلیه این مدارس را بگیرند و در هیات دولت نیز مطرح شد که یک ماده قانونی با یک یا دو تبصره در این زمینه نوشته شود " (" اطلاعات " ۱۸ شهریور ۶۴).

نسیه بودن چنین وعده ای زمانی آشکاری می شود که وی جای اما و مگر را باز می گذارد و مالکانی را که مدارس مورد تخلیه را " برای خودشان احتیاج دارند " از آنها که " احتیاج شخصی ندارند " جدا می کند. در واقع از این طریق راه گریز را به مالکان مدارس دولتی استیجاری نشان می دهد.

یکی دیگر از راه هایی که به نظر آقای وزیر رسیده دریافت وام از بانک ها برای تاسیس مدارس دولتی است. وی می گوید: " در جلسه هیات دولت تصویب شد که بانک ها بودجه ای

برای احداث مدارس جدید به این وزارتخانه اختصاص دهند و پس از تحویل دادن مدرسه با دادن اجازه به شرط تملیک از آنها، استفاده کنیم که پس از سپری شدن چندسال صاحب مدرسه شویم ". راستی چرا آقای وزیر پیشنهاد نمی کند که مردم برای احداث مدارس جدید در هزاران روستا و شهرهای مختلف ایران بهتر است بخشی از بودجه جنگ خائسان سوز و پول هایی را که صرف خرید اسلحه از انحصارات امپریالیستی می شود، به این کار اختصاص داده شود؟

وزیر آموزش و پرورش در خصوص نحوه گرفتن شهریه و در واقع سرکپسه کردن زحمتکشان و راه نشان دان به بخش خصوصی برای تاسیس آموزشگاه آزاد " نیز سخنانی گفت که نشانگر ادامه روند آموزش ضد مردمی رژیم در سال جدید تحصیلی است.

بدینسان رژیم با مشتکی وعده های پوچ و نسیه و قبرستان اتوبوس های اسقاطی به استبدال سال جدید تحصیلی می رود. قبرستان اتوبوس های اسقاطی می تواند به مکان آموزش حداکثر چند هزار دانش آموز آن هم در مدتی موقت تبدیل شود. تکلیف نونهالان هزاران روستا و شهرهای مختلف که از امکانات آموزشی محروم هستند، چه می شود؟

روحانی نمای خلع لباس شده املاک، اموال و "لباس" خود را پس گرفت!

بر اساس سند موجود به امضاء حاکم شرع شعبه اول " دادگاه انقلاب اسلامی " اسماعیل نمازی در شهریور ماه ۵۹ در مشهد محاکمه شده و " پس از احراز مجرمیت نسبت به وابستگی به رژیم منفور پهلوی و سوء استفاده سرشار از بردن کاروان به حج و ۴۲ سال (همکاری) با مقامات دولتی و کلاشی از مردم به دو سال حبس و خلع سلاح و مصادره نیسی از مزارع شاهرود به نفع مستضعفین آن منطقه و یک میلیون تومان وجه نقد و یک باب منزل واقع در مشهد - کوچه میراعلم خان پشت منزل آقای قمی محکوم گردیده که مدت محکومیت وی به لحاظ کبر سن و اوضاع و احوال خاص برای مدت سه سال معلق شده است.

روزگاری شاید کسانی امثال شیخ اسماعیل نمازی حتی تصور آن را هم نمی کردند که در جریان " رسیدگی مجدد " پرونده، بتوانند تمام اموال و املاکی را که از راه همکاری با شاه و ساواک به دست آورده بودند، پس بگیرند و موقعیت گذشته خود را بازیابند. به این می گویند معجزه. معجزه ای که به " یمین " خیانت سران رژیم در مورد زمین داران بزرگ، کلان سرمایه داران، ساواکی ها، رشوه خواران و خلاصه همه دشمنان خلق اتفاق می افتد و به امری عادی بدل شده است.

سرمایه داران و زمین داران بزرگ یکی پس از دیگری اموال و املاک مصادره شده را که به بهای استثمار و غارت توده ها صاحب شده اند، پس می گیرند. یکی از نمونه این غارتگران اجتماعی روحانی خلع لباس شده ای به نام حاجی شیخ اسماعیل نمازی از زمین داران بزرگ شاهرود و دارنده یک مسافرخانه بزرگ و کاروان خج در مشهد است که ۴۲ سال با رژیم پیشین همکاری مستقیم داشت.

طبق رای حاکم شرع شعبه اول " دادگاه انقلاب اسلامی مرکز " اخیرا اموال و املاک این شخص تمام و کمال به وی مسترد شده و تصرف آنها بلا مانع اعلام گردیده است. حاکم شرع مذکور به علت " سوابق متمم در حوزه های علمیه و توثیق از طرف مراجع کفشته " و " شواهد و قرائن حالیه و مقالیه که حکایت از متشرع بودن وی می کند " و چون " دلیلی بر اکتساب نامبرده از راه غیر مشروع در پرونده امر ارائه نشده " مقرر داشته که " کلیه اموال مضبوط از وی به او مسترد گردد ". همچنین همین دادگاه به علت " اظهار ندامت و پشیمانی " شیخ اسماعیل نمازی از " ارتکاب عمل غیر مشروع حضور در مراسم استقبال محمدرضا پهلوی " در حرم حضرت رضا (ع) " استفاده نامبرده را از لباس روحانیت مجاز اعلام داشته است.

پخش و تکثیر " نامه مردم " در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!

ویژگی های جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری در دهه ۸۰

حضور این کشور در ناتو، اعتصاب عمومی کارگران صنعت کنسرو ماهی ایسلند، نمایش اعتراض آمیز ۱۵۰۰ کارگر و کارمند کمپانی ایتن کانادا، آغاز اعتراضات بهاره کارگران ژاپن علیه تدارکات چذکی و سیاست ضددمکراتیک دولت این کشور درم پیوندی با ایالات متحده و میلیتاریست های کره جنوبی.

این اعتراضات و تظاهرات موید رشد کمی و کیفی جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری است. یکی از مشخصه های این رشد، خروج اتحادیه های کارگری از حالت و موضع دفاعی است. هم اکنون اتحادیه ها پگونه ای محسوس در زمینه انعقاد قراردادهای جمعی کار به سود کارگران و تامین غرامت خسارات مادی وارده بر زحمتکشان در جریان تولید، فعالیت کرده اند. همچنین همای افزایش فشار و تضییقات علیه اتحادیه ها، تاکتیک های جنبش اعتصابی نیز دستخوش دگرگونی های جدی شده است. اکنون شیوه های عمده ای که اعتصاب کنندگان بکار می گیرند عبارتند از: تحریم تولیدات و یا خدمات کمپانی مورد نظر خود، توقف کوتاه مدت تولید بین ۱ تا ۴ ساعت توسط شمار زیادی از کارگران، جمع آوری طومار، میتینگ های توده ای و تظاهراتی که در خارج از ساعات کار برگزار می شود و بخش مهمی از اهالی یک شهر یا منطقه را در بر می گیرد.

در کنار این نقاط قوت، باید گفت که هنوز در بعضی عرصه ها، زحمتکشان موفق به استفاده موثر از قدرت توانمند خود برای خنثی ساختن طرح های ارتجاعی نشده اند. در این میان، برخی اختلافات ایدئولوژیک، که اثرات بسیار زیانباری بر جنبش کارگری می نهد، باعث بروز تفرقه در صفوف کارگران می شود. بنابراین در لحظه حاضر، بسیج و تامین اتحاد عمل کارگران در سطح ملی و بین المللی، همانند گذشته در دستور روز پیشاهنگان جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری قرار دارد.

تولید نیروی کار در کشورهای سرمایه داری بود. به همین جهت امروزه موج نیرومند مبارزات کارگری، جهان سرمایه را فرا گرفته است. خواسته های کارگران در این نبرد طبقاتی عمدتاً حول محورهای افزایش دستمزد، حق کار، انجام اصلاحات دمکراتیک در عرصه های تعلیم و تربیت و آموزش حرفه ای، حفاظت و سلامتی کار و تامین اجتماعی دور می زند. البته نباید از نظر دور داشت که طی دهه چاری در کنار خواست های عمومی اقتصادی - اجتماعی کارگران، خواست های سیاسی نیز پررنگ تر از گذشته مطرح است. تظاهرات با شکوه کارگران با شعارهای "ما کار می خواهیم - نه موشک"، "مسابقه تسلیحاتی را متوقف کنید"، تلاش در راه تامین آزادیهای سنجیدگی و دمکراتیزه کردن حیات سیاسی، دال بر افزایش وزن مخصوص خواسته های سیاسی در مجموع مطالبات طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری است.

سرمایه بزرگ انحصاری برای مقابله با اعتراضات رشدیابنده طبقه کارگر، هجوم آشکار و پنهانی را علیه حقوق دمکراتیک و آزادی اتحادیه های کارگری سازمان داده است. پلیس به اعتصابات و تظاهرات کارگری یورش می برد، دادگاهها رهبران اتحادیه ها و فعالان جنبش کارگری را محاکمه میکنند و موجودی صندوق اعتصابات توسط دولت ضبط می شود. اما این حرکات ایذایی مانع از گسترش اعتراضات کارگری نشده است. رویدادهای ماههای نخستین سال جاری (۱۹۷۵) نیز این حکم را تایید می کند.

به عنوان نمونه در آمریکا، کارگران صنایع اتومبیل سازی و کارکنان موسسات پزشکی و خدمات هوایی شهری اعتصابات گسترده ای بپا کردند که در این رابطه می توان اعتصاب ۵۲ هزار کارگر بیمارستانی نیویورک و اعتصاب ۷۵۰۰ نفره مکانیک ها، ماموران مراقبت هوایی و دیگر کارکنان خطوط هوایی بین المللی پان آمریکن را پرشمرد.

در فرانسه: اعتصاب های کارگران کارخانه های اتومبیل سازی، معدنچیان و کارگران راه آهن در پاریس، اعتصاب ۲۴ ساعته چاراندازان بنادر بزرگ فرانسه علیه اخراجهای دسته جمعی و اعتصاب معدنچیان لورن.

دیگر نمونه های برجسته مبارزه طبقاتی در سال ۱۹۷۵ عبارتند از: اشغال کارگاههای ساختمانی توسط کارگران این واحدها در سیسیل ایتالیا، ادامه اعتصاب یکساله معدنچیان بریتانیا، تظاهرات توده ای کارگران اسپانیا علیه سیاست ضدکارگری مقامات حکومتی و

سرمایه داری جهانی با کوهی از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وارد نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ شده است. آهنگ رشد تولید صنعتی، درآمد ملی و میزان بهره وری کار نازل تر از آن حدی است که در دهه گذشته به ثبت رسیده است. وقفه فزاینده ای در رشد اقتصادی، علمی و تکنیکی نه تنها در یک کشور منفرکاپیتالیستی، بلکه در کل اردوگاه سرمایه داری به چشم می خورد. این بحران تاثیر مستقیمی بر حیات طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری نهاده است. قرائن موجود پیش از پیش این واقعیت را هویدا می سازد که مناسبات تولیدی سرمایه داری حامل عمل عمده سد راه تکامل سالم نیروهای مولده است. کلیه تمهیدات و ترفندهای انحصارات امپریالیستی برای بالابردن بهره وری کار و در نتیجه بدست آوردن اضافه ارزش بیشتر و تسریع روند انباشت سرمایه، لطمات جدی به نیروهای مولده وارد می آورد. از جمله، انحصارات در جستجوی حداکثر سود و کسب بیشترین میزان اضافه ارزش نسبی، با شتاب بیشتری به خودکار کردن (اتوماسیون) دستگاه های تولیدی ادامه می دهند. اکنون خودکار کردن (اتوماسیون) یک شیوه اساساً نوین تکنولوژیک و سازماندهی تولید است که پایه ظریف ترین سیستم استثمار کارگران را تشکیل می دهد و موجب کاهش شدید نیاز به نیروی کار در کارگاه های سرمایه داری است.

یکی از پیامدهای اصلی اتوماسیون بیکاری فراگیر است که این نیز پهنه خود تاثیر بسیار منفی بر شرایط زندگی کارگران می گذارد. به این عامل باید بار سنگین تورم موجود در کشورهای سرمایه داری را نیز افزود که زحمتکشان را زیر فشار طاقت فرسای خود قرار می دهد.

در این میان سیاست تشنج فزاینده قدرتهای امپریالیستی یکی دیگر از علل تشدیدگر بحران اقتصادی و طبعا تیره روزی کارگران است. محافل امپریالیستی برای پیشبرد مقاصد تجاوزگرانه خود، هر ساله مبالغ هنگفتی را، به بهای کاستن از بودجه های اجتماعی، به کوره مسابقه چون آمیز تسلیحاتی می ریزند.

در چنین شرایطی سرمایه انحصاری دولتی راه خروج از بن بست بحران اقتصادی را در انجماد دستمزدها، وضع مالیات های سنگین و کاهش هرچه بیشتر بودجه های اجتماعی می جویند. در نتیجه این اقدامات، میتوان طی سالهای اخیر شاهد روند شتابنده سقوط درآمد واقعی زحمتکشان و وخامت پیش از پیش شرایط تجدید

درحاشیه رویدادها

بقیه از ص ۷

نفت ایران باشد آن را عملی خواهد ساخت در نتیجه حداقل آثار چنین واقعیتی در پیش گرفتن سیاست دوستی با غرب خواهد بود."

- اقتصاد بدون برنامه و چشم انداز یا پیشه کردن "روزمرگی اقتصاد"، کار را به آنجا کشانده که اقتصاد رژیم به نفس تنگی دچار شده است. "کیهان" ضمن اشاره به پاره ای اقدامات اقتصادی نسنجیده از جمله نتیجه می گیرد که: "به هر حال اقتصاد کشور در وضعیتی قرار دارد که تاب و توان تحمل یک چنین شوک هایی را تا دیر زمانی نخواهد داشت..." (کیهان ۲۸ شهریور ۶۴).

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو بیکاری گیر،
متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

دردناک است اما واقعیت دارد

پتو و لحاف مستعمل زحمتکشان محروم در حالی بوسیله دادرهای رژیم به حراج گذاشته می‌شود که میلیاردها ثروت همین مردم محروم بوسیله کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان هارت و چپاول میشود و به اصطلاح عوام کک رژیم هم نمی‌گذرد، زیرا خود مسبب این وضع است. در حال حاضر، کیست که نداند، رژیم ج.ا. گروه گروه از این هارتگرانی را که زحمتکشان ایران آنها را از کشور بیرون رانده‌اند، برای دریافت "املاک" خود به ایران دعوت می‌کند. خود گردانندگان رژیم به این حقیقت معترف هستند. از جمله امام جمعه موقت قم، سال گذشته گفت: "کسی که میلیاردها تومان ثروت از این کشور برده است اینک آمده و آنرا مطالبه می‌کند و طلبکار دادرای انقلاب است. پول کارخانجات از ۱۵ میلیارد تومان یعنی به اندازه خرج چندین دستگاه دادگستری است. آقا ۱۵ میلیارد تومان بابت کارخانه‌هایش بستانکار است و می‌گوید مالکیت کجا رفت...." (کیهان ۲۹ دی ماه ۶۳).

با تقویت روزافزون مواضع اقتصادی و سیاسی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، دادرها و دیگر ارگان‌های رژیم روز به روز به وسیله اعمال ستم طبقاتی یعنی چماق سرکوب حقوق دموکراتیک مردم تبدیل شده‌اند و در جهت به کرسی نشاندن خواسته‌های چپاولگرانه صاحبان زر و زور عمل می‌کنند. دادرها در راستای سیاست ضد مردمی و خائنانه رژیم ج.ا. از سوی‌دار و ندار اندک فقیرترین اقشار زحمتکشان را به حراج می‌گذارند و از سوی دیگر به تامین منافع میلیاردی کلان سرمایه‌داران می‌پردازند.

آگهی کلیشه شده، بریده‌ای است از روزنامه جمهوری اسلامی ۱۲ مرداد ۶۴ که به موجب آن اموال منقول یک فرد بدکار شامل لحاف و پتو و چراغ خوراک پزی و سایر لوازم اولیه و مستعمل وی به حراج گذاشته شده است. تا بدینوسیله قروض وی که جمعاً کمتر از ۶۵۰۰ تومان است، پرداخت گردد. همانطور که در متن آگهی آمده است جمع دارایی و اموال این شخص کمتر از ۵۴۰۰ تومان است به عبارت دیگر شخص مقروض انسان فقیر و احیاناً زحمتکشی است که قادر به پرداخت شش هزار تومان بدهی خود نیست. این آگهی با هزینه درج کزاف آن هم در روزنامه متعلق به رئیس جمهور رژیم، بیانگر واقعیات تلخ و در عین حال شرم آوری است که در مبین ارتجاع زده ما به پدیده‌ای عادی تبدیل شده است. ستم طبقاتی در جوامع منقسم به فقیر و غنی دارای اشکال و نمودهای مختلفی است، از جمله حقیقت تلخ نهفته در بطن آگهی فوق نمایانگر یکی از نمودهای آن در جامعه ما است.

این شخص کیست؟ چگونه بدکار شده است؟ دارای چه وابستگی طبقاتی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها تغییریری در نفس این حقیقت و اتفاق دردناک بوجود نمی‌آورد. چنین اتفاقی می‌تواند در رژیم "ولایت فقیه" برای هر انسان زحمتکش و کم درآمدی که اکثریت جمعیت مبین ما را تشکیل می‌دهند، بیافتد و آگهی آن هم در روزنامه‌ای که صاحب امتیاز آن مزورانه از مستضعفین و محرومین صحبت می‌کند و دست بر قضا رئیس جمهور این نظام فاسد و ستمگر نیز هست، تچاپ شود.

رژیم ولایت فقیه یا رژیم شاهنشاهی

کیهان ۵ شنبه ۶ تیرماه ۶۴ در گزارش خود از مباحثات مجلس شورای اسلامی از جلال الدین فارسی سخنانی نقل می‌کند که اگرچه از زبان شخص معلوم الحالی است اما در چارچوب کشکش های قدرت که گریبان جناحهای مختلف رژیم را گرفته است، از چند لحاظ جالب توجه و افشاگرانه است.

از لابلای سخنان درهم و گنگ این عضو مجلس شورای اسلامی می‌توان چنین دریافت که: ۱- در رژیم "ولایت فقیه" برای مجلس و قانون اساسی تیره هم خورد نمی‌شود و میلیاردها دلار ثروت مملکت بدون مجوز به باد داده می‌شود. ۲- قانون اساسی در حقیقت "سالها و دهه‌هاست که وجود دارد و دست‌آورد انقلاب اسلامی هم نیست".

۳- در این نظام بدوی مثل هر نظام خودکامه دیگر همه راهها به دیکتاتور بزرگ ختم می‌شود و شکوه و شکایات مردم، به به مراجع دستگاههای قانونی بلکه برای "حضرت امام" فرستاده می‌شود.

ظاهر ماجرا که همچون زمان حکومت منفور گذشته بصورت دوپهلوی و کلیشه‌ای در مطبوعات رژیم بازتاب یافته، این است که وزیر اقتصاد و دارائی مبالغ هنگفتی (۵ ۲ میلیارد دلار) از ذخایر ارزی را بدون اینکه مجلس را از آن باخبر کند "مصرف" کرده است. در اینکه مجلس شورای واقعی باید بودجه دولت را تصویب کند تردیدی نیست. ولی آیا هدف جلال الدین فارسی نیز این است؟ البته نه، این امر به جناحی از حاکمیت که ظاهراً از این مصرف موهم طرفی نیست است، گران آمده و فریاد برآورده است که: "قانون اساسی می‌گوید هر مصرف ذخایر ارزی، درآمد وصولی ریال و همه باید به موجب قانون باشد. این منع است که یک وزیر (اقتصاد و دارائی) نمی‌تواند ذخایر ارزی را خرج کند و بگوید منعی وجود ندارد. قانون اساسی و قانون بودجه و صورت جلسه کمیته تخصص ارز که در حضور خودایشان بوده این منع را منظور کرده است. این باید به مجلس می‌آمد و مجلس رأی می‌داد و اجازه مصرف می‌داد. اما اینکه بدون مجوز و بدون گزارش دادن به مجلس ۵ ۲ میلیارد دلار ذخایر ارزی را مصرف کنند یک قانون شکنی بارز است..." و دست آخر عضو مجلس که خود به پوشالی بودن مجلس دستگاههای عریض و طویل دولت هرچند با عناوین پرطمطراق واقف است همچون همتای خود در رژیم گذشته دست به دامن دیکتاتور می‌شود: "بنده به عنوان یک نماینده تصمیم دارم خدمت امام نامدای بنویسم و ایشان را از این کار که انجام شده مستحضر کنم چون سؤال دومی هم که طرح کردم مصرف میلیاردها دلار بدون مجوز است".

بدیهی است در اینجا هدف بررسی اختلافات جناحهای حاکمیت نیست. آنچه مورد نظر است بقیه در ص ۷

جمهوری اسلامی

شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۶۴
۱۵ دیفعه ۱۴۰۵ - شماره ۱۷۸۹ - سال هفتم

آگهی مزایده اموال منقول

آگهی مزایده اموال منقول مربوط به پرونده اجرائی کلاسه ارجاسی ۲۶۹۶

اموال مشروحه ذیل متعلق به آقای محمد بالرباز جانی بدمکار پرونده اجرائیه کلاسه ارجاسی ۲۶۹۶

- ۱- پتوی مستعمل دو عدد به ارزش سیصد ریال ۲- نوار ضبط صوت ۵۲ عدد به ارزش ۲۵۰۰ ریال ۳- ساعت زنگدار رومیزی با دینامیک ریال ۴- تخت فلزی باشو یکمقدار بارزش ۲۵۰۴ ریال ۵- لحاف مستعمل ۵۰۰ ریال ۶- لاستیک موتور دو عدد ۵۰۰۰ ریال ۷- مقداری لباس مستعمل در داخل یک گونی بارزش یکهزار ریال ۸- یک دستگاه بنچمال مستعمل ۵ فوت مازیک فصت بارزش ۱۵۰۰۰ ریال ۹- چراغ و آلور مستعمل دو عدد ۳۰۰ ریال ۱۰- صندلی مستعمل سه عدد بارزش دوپست ریال ۱۱- بونه فیبری رنگه یکمقدار بارزش یکهزار ریال ۱۲- مقدار ۲۰ عدد بنفشاب - کراور ریال ۱۳- بخاری نفتی جنرال یک دستگاه ۳۰۰۰ ریال ۱۴- کلاه موتور سرد دو عدد یکهزار و پانصد

ریال ۱۵- موکت دونخته شش متری بارزش ۱۵۰۰۰ ریال ۱۶- زیرلر زینته آبی یکمقدار شش متری یکمقدار ریال ۱۷- مقداری وسایل آهبرخانه مستعمل در داخل یک گونی ۱۰۰۰ ریال جمع هفده قلم اموال فوق مجموعاً بارزش ۵۱۵۰۰ ریال انزبایی گردیده و به اراه مبلغ ۶۹۹۷۲ ریال اصل طلب آقای یوسف پیشکاری و حقوق دولتی بازداشت گردیده و در روز ۱۱/۱۱/۱۳۶۴ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در تهران خیابان دکتر شریعتی خپایان جوانان پلاک ۲۰ از طریق مزایده بفروش میرسد و مزایده از مبلغ ۵۱۵۰۰ ریال شروع و حق حراج و سایر هزینه‌های دولتی بعهده خریدار است طالبین میتوانند در روز و ساعت مقرر جهت خرید اموال در محل فوق‌الذکر حضور بهم رسانند.

ش ۲۳۶۶۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۲۹/۲/۱۳۶۴
» » » دوم ۵/۵/۱۳۶۴
» » » سوم ۱۲/۵/۱۳۶۴

رئیس اجرائی ثبت گناهک-مصطفویان

جنبش دهقانی و وظائف توده‌ای‌ها

بقیه از ص ۲

فرآیند عمومی خلق رو به اوج است. وظیفه توده‌ای‌ها است که همپوندی خواستهای دهقانان را با خواستهای کارگران و دیگر قشرها و طبقات شرکت کننده در جنبش انقلابی بشکافند. دهقانان بایستی این حقیقت را عمیقاً درک کنند که هیچگونه تحول بنیادی و انقلابی در کشور روی نمی‌دهد مگر بر کرده اتحاد طبقه کارگر و متحدان طبیعی آن و در درجه اول دهقانان. در روند تشدید و اوجگیری مبارزه دهقانان هرگونه نزدیکی دهقانان به دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک گامی است به جلو. باید با کار پیگیر انقلابی در بین دهقانان، شعور عبقاتی توده استثمارشونده روستائی را بیدار ساخت و آنها را به لزوم شکل و سازماندهی طبقاتی آگاه ساخت. باید همبستگی با مبارزات درون شهرها را به اشکال گوناگون به آنها آموخت.

توده‌ای‌ها باید با الهام از پیشینه مبارزاتی دهقانی حزب دامنه فعالیت خویش را در بین دهقانان گسترش دهند. دهقانان مدافعان راستین خود را می‌شناسند. زیرا ما توده‌ای‌ها از همان آغاز بنیانگذاری حزب، از حقوق و خواستهای دهقانان زحمتکش دفاع کرده ایم و به آنها گفته ایم که زمین و محصول، نه از آن زمینداران بزرگ و فئودالهای مفتخوار، بلکه مال کسی است که روی آن کار می‌کند. ما از نخستین روز فعالیت خود در راه برچیدن بساط بزرگ مالکی و فئودالیسم مبارزه آشتی ناپذیری را دنبال کرده ایم. از اینرو همواره حزب ما خار چشم زمینداران بزرگ و فئودالها و دیگر دشمنان

باید شکنجه‌گران را وادار

به عقب نشینی کرد

بقیه از ص ۱

دفع ادرار می‌شود. گاهی نیز با قطع جیره ناچیز غذا زندانیان را گرسنه نگه می‌دارند. تجاوز شنیع جنسی، یکی دیگر از شکنجه‌های حیوانی متداول در ج.ا. است که برای تحقیر زندانیان انجام می‌شود.

رژیم که از مقاومت زندانیان دچار نگرانی شده اخیراً در زندانهای کشور به نقل و انتقالی دست زده است. مثلاً گروهی از زندانیان قزل حصار و نیز بخشی از زندانیان کمیته معروف به "بند ۲۸" را به زندان کوهردشت و اوین منتقل کرده است. همچنین گروهی از زندانیان توده‌ای در زندان قزل حصار به بندهای ۲ و ۵۰ برده شده و تحت شرایط بسیار سختی قرار گرفته‌اند. در هریک از سلولهای انفرادی بند ۵، یازده نفر را جای داده‌اند، بطوریکه مجبورند بر سر بایستند. این مسئله موجب اعتراض و سروصدا شدید زندانیان شده است. اما در پاسخ اعتراض به این عمل وحشیانه و غیرانسانی، مأموران به داخل بند ریخته و به مضروب کردن زندانیان پرداختند.

طبقاتی زحمتکشان بوده است.

در شرایط کنونی، توده‌ای‌هایی که در روستاها کار یا زندگی می‌کنند و یا در شهرهای مرکز مناطق کشاورزی فعالیت دارند و با ده رفت و آمد و رابطه دارند، باید در راه وظیفه انقلابی خود در دلگرمی بخشیدن به دهقانان برای شرکت هرچه فعال تر در مبارزه علیه رژیم و سیاست پس گرفتن زمین‌هایی که دهقانان از راه‌های گوناگونی از چنگ زمینداران و فئودالها به درآورده‌اند، از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. باید دهقانان باتمام وجود دریاوند که وعده پرطنین دیروز خمینی، مبنی بر کشاندن سرمایه‌داران و فئودالها به پای میز محاکمه نه تنها عملی نشده در واقع کار به آنجا انجامیده است که دهقانان ستم‌دیده‌ای که باز به گفته خمینی "سند دست‌های پیینه بسته آنها" بود به پای میز محکمه کشیده میشوند و به زندان می‌افتند.

دهقانان آگاه و نیروهای مترقی و انقلابی، قطع نظر از اختلاف‌های سیاسی و ایدئولوژیکی باید تجربیات مبارزاتی خود را به یکدیگر منتقل کنند. باید اخبار مبارزات دهقانی را به وسعت در جامعه و بویژه در بین دهقانان بپزند تا همه زحمتکشان و بخصوص دهقانان آفتاب سوخته بدانند برادران آنها بیکار ننشسته‌اند و علیه غارتگران مبارزه می‌کنند. نیروهای انقلابی بایستی به مبارزات دهقانان ست و سوبدهند و نگذارند نیرو و توان انقلابی مبارزات دهقانی هرز برود. نیروهای دهقانی زیر پرچم درست‌ترین شعارها باید هرچه کمتر دارای خصلت خودپیو و هرچه بیشتر آگاهانه و هدفمند باشند. دهقانان را باید از هر جهت برای شرکت در جبهه متحد خلق بخاطر سرنوشتی رژیم "ولایت فقیه" آماده کرد.

در زندان اوین محفظه کوچکی معروف به "سوراخی" توسط شکنجه‌گری معروف به "حاج داوود" از نژویان ساخته شده که ابعاد آن به اندازه بدن یک انسان در حالت نشسته است. در برابر "سوراخی" پرده سیاهی کشیده شده و درخیمان زندانی مورد نظر خود را با چشم و دست و پای بسته - بطوری که نتواند تکان بخورد - در آن می‌نشانند و از بالای سوراخ دو بلندگوی قوی به پخش نوحه و نوارهای مذهبی می‌پردازند. دستهای محکوم شدگان به این شکنجه قرون وسطائی را فقط هنگام غذا خوردن و توالی رفتن باز می‌شود، اما چشمهایشان دائماً بسته است. هنگام غذاخوری نیز دشنام و کتک چاشنی غذا می‌شود. چنین شکنجه‌ای موجب می‌شود که زندانی دچار حالات شدید بیماری روانی شود. چنین شکنجه‌ای خطر فلج زندانی را در پی دارد. همچنین گفته می‌شود که برخی از زندانیان را مدتی در جعبه‌های چوبی که به شکل تابوت ساخته شده قرار می‌دهند و فقط در موقع ضرورت یک مرتبه به آنها خوراک می‌دهند تا قالب تهی نکنند.

باتمام این احوال ایستادگی در زندانها هر روز

به مامی نویسنند

جنايات رژيم و وظيفه پزشکان داهم

یکی از پزشکان که به عنوان ماموریت مدتی را در یکی از شهرستانها گذرانده است، می‌گوید:

" پاسی از شب گذشته بود و داشتم به وضع چندزخمی می‌رسیدم که دکتر داهم بیمارستان که یک نفر هندی بود سراسیمه خود را به من رساند و درحالی که می‌لرزید به انگلیسی گفت: من نمی‌توانم، من نمی‌توانم این کار را بکنم، این کار من نیست. می‌خواستم منظور او را بپرسم که همه کاره بیمارستان، یعنی یک جوان باصطلاح "حزب الهی" وارد شد و خطاب به من گفت: دکتر شما بهش بگو که هرچه ما می‌گوئیم انجام بدهد. ما که بیخودی به او چنین حقوقی نمی‌دهیم. خلاصه این که فهمیدم موضوع بر سر امضا گواهی دفن کسی است که گویا تیرباران شده است. دکتر هندی گفت: من باید او را ببینم. بعد رو به من گرد و گفت: تنها می‌ترسم. و خواست که همراه او بروم. جوان "حزب الهی" موافقت کرد و باهم به گوشه تاریکی از حیاط رفتیم که یک وانت بار ایستاده بود و دو نفر پاسدار از آن مواظبت می‌کردند. پشت وانت جسد یک جوان افتاده بود که حدوداً ۲۴ یا ۲۶ ساله به نظر می‌رسید. زخم کوچکی بر پشت او دیده می‌شد و زخم بزرگی سینه‌اش را شکافته بود. جوان "حزب الهی" توضیح داد که در دادگاه‌های شرع کسانی محکوم به اعدام می‌شوند و وظیفه پزشک داهم بیمارستان است که برای آنها جواز دفن صادر کند. من به فکر آن بودم که حتی متخصصین و پزشک، هم لازم نیست تا بفهمد که شخصی کشته شده از پشت گلوله خورده است ... بهر حال دکتر هندی جواز دفن را صادر کرد. (از متن یک نامه)

نمود تازه‌ای می‌یابد. تاکنون اغلب زندانیان توده‌ای از دادن تعهد - به هر شکل و عنوانی - خودداری کرده‌اند. به همین دلیل، با وجودیکه مدت محکومیت تعداد زیادی از آنان به پایان رسیده، از زندان مرخص نمی‌شوند. اینگونه زندانیان به زندانیان "ملی کش" مشهورند که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. با اینحال رژیم نیز بیکار ننشسته و حکم اعدام گروهی از زندانیان توده‌ای و فدائی را صادر کرده است.

وظیفه نیروهای انقلابی است که متحداً و هرچه بیشتر مبارزه متشکل مردمی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی را سازمان بدهند. وظیفه هسته‌های حزبی است که جنايات رژیم را افشا و در همکاری با سایر نیروها، توده‌ها را برای نجات بهترین فرزندان خلق بسیج کنند. وظیفه سازمانهای حزبی در خارج از کشور است که کارزار دفاع جهانی از زندانیان سیاسی را شدت بخشند. مبارزه هماهنگ و متحد نیروها از خارج زندان و مقاومت زندانیان در داخل، رژیم را روز به روز وادار به عقب نشینی خواهد کرد.

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

رژیم ولایت فقیه یا ..

بقیه از ص ۵

نشان دادن این واقعیت است که چگونه رژیمهای خیانت کار و خودکامه در عمده ترین اشکال حکومت داری به هم نزدیک و شبیه هستند. صرف میلیاردها دلار بدون مجوز " و از طریق اعمال نفوذ و خودسریهای صاحبان قدرت، در رژیم منحوس پهلوی نیز امری رایج بود. در آن رژیم نیز مجلس به حساب نمی آمد و شکایات کسانی که از خوان یغمای میهن ما سهم کمتری نصیبشان شده بود به " حضور ملوکانه " ارسال می گشت. شاه در سالهای اوج قدرت خود که آن را ابدی می پنداشت در مصاحبه ای با اوربانافالچی خبرنگار ایتالیائی با تفرعن گفته بود که وی جلسه دولت را با اشاره چشم و ایرومی گرداند و در تصمیم گیریهایش با احدی بجز خدا (که وی مدعی شده بود او را می بیند) مشورت نمی کند! شباهت رژیم " ولایت فقیه " با رژیم شاهنشاهی که مردم ایران با فداکاری کم نظیری آن را سرنگون کردند چه در عرصه لکدمال کردن هرگونه حقوق انسانی و قوانین اجتماعی و چه قدر قدرتی فردی در شیوه حکومت داری به راستی حیرت انگیز است.

همه این وقایع نشان می دهد که سراسیمگی خیانت چه سراسیمگی تندی است و چه سریع خائنان را در لجنزار خود می بلعد. در اثر همین خیانتهای سران رژیم است که اینک نزدیک به هفت سال بعد از انقلاب مردم، باز در میهن ما همان آش است و همان کاسه؛ بریاد رفتن سرمایه های ملی در مقیاس " میلیاردها دلار"، غارت و چپاول ثروت عمومی در سطوح مختلف دستگاههای اداری، ارتشاه در رشوه خواری و اختلاس های کلان، غارت و استثمار بیسابقه کارگران و زحمتکشان بوسیله مستی کلان سرمایه دار و بزرگ مالک و در کنار آنها بی اعتباری روزافزون مجلس و قانون اساسی و دیگر ارگانهای رژیم. نباید گذاشت خائنان به انقلاب مردم باردیگر شیوه های منفرود و پوسیده حکومت داری را برای مدتی طولانی به میهن ما تحمیل کنند.

فداکار ایران است " (اسرافیلیان، نماینده تهران، کیهان ۱۷/۹/۶۴).
- " واردات، رشد مطلوب آمریکا را بدست آورده است " (نماینده بابل، کیهان ۲۱/۹/۶۴).
- " یادداشت اقتصادی " ۲۶ شهریور " کیهان " نیز ضمن بیان این حقیقت که " دولت های بعد از انقلاب نتوانسته اند در زمینه گسترش نقش صادرات غیرنفتی در مجموعه صادرات کشور موفقیتی بدست آورند " از جمله چنین نتیجه گیری کرده است:

" ۱- اتکاء به صادرات نفت که هم اکنون ۸۰ درصد از صادرات کشور را تشکیل میدهد یک سیاست آسیب پذیر و وابسته گرایانه است چه قرب هرگاه احساس کند برای اعمال خواسته های سیاسی و اقتصادی خود بر کشور ضرورتی به تحریم

باتمه در ص ۴

باید مشخص شود که مبارزه با دولت سالاری جهت پرانداختن یک دولت و روی کار آوردن پابند و تشکیلات خودش نیست."

" چرا هر طرح و برنامه ای که نهایتاً به نفع مستضعفین است، ولی اگر در جهت منافع عده خاصی بود عامل رشد و تولیدات است... خبر اینکه در اصفهان یک کارگری از بیچارگی دست به خودکشی بزند هوچی گری است ولی میاهو برای برگرداندن اموال فراریان هوچی گری نیست؟"
"تضعیف قوه مجریه و دگرگونی های غیراصولی و ایجاد قدرت هایی درکنار قدرت قانونی دولت به نام جلوگیری از دولت سالاری، تاریخ خونبار ایران پس از مشروطیت را به یاد خواهد آورد که... ارکان مملکت بدست مردان کم تجربه ولی جاه طلب و باندباز افتاد و شد آنچه که نباید بشود."

" ما نیائیم آن تجربه های تلخی که دوره های قبل داشتیم در این مملکت مجدداً تکرار بکنیم... و بیش از این فضای آرامش را در این مملکت از بین ببریم " (کیهان ۲۸/۹/۶۴).

- محمد حسین علوی، نماینده گرگان، از موضع دفاع از رئیس جمهور گفت:

"... چرا آقایان به جای آن که نظام امامتی را تقویت نمایند و فقه سنتی را پیاده نمایند، در صدد بازگرداندن روش نظام شاهنشاهی لیکن با عنوان حمایت از مستضعف و ضد سرمایه داری هستند؟ و چون ابو عبیده جراح تبلیغات را... در روزنامه ها و صدا و سیما و حتی مجلس می کشاند."

" بگذاریم رئیس جمهور از حق قانونی خود استفاده کند " (کیهان ۲۸/۹/۶۴).

- ولی الله زمانی، نماینده بابل هم در دفاع از رئیس جمهور گفت:

" نباید به نام رئیس دولت، رئیس جمهور را زیر فشار گذاشت."

وی ضمن تذکر اینکه " رئیس جمهور و رئیس دولت باید استقلال داشته باشند " افزود:

" با این وضعیت مصلحت این است که نه رئیس دولت وقت معرفی شود و نه کسانی که شایع است آقای رئیس جمهوری می خواهد معرفی کند."

آنگاه زمانی " برای شروع انقلاب پنجم... و فروکشاندن کشمکش های حال و بعد"، مهدوی کنی را به عنوان " شخصیتی وجیه المله... و مجتهد " برای نخست زبیری معرفی و تاکید می کند که: " به هر حال نباید به ادامه وضع موجود راضی بود " (کیهان ۲۱/۹/۶۴).

... و موضعی گیری هایی از این دست همچنان ادامه دارد.

وضعیت اقتصادی کشور

- " با اقتصاد کشور به دلایلی که بر همگان روشن است، غالباً روزمره برخورد شده است... " (کیهان ۲۸/۹/۶۴).

- " این سیاست (وارداتی) که چیزی جز وابسته ساختن کشور به نظام سرمایه داری بین المللی نیست غیرقابل توجیه است و طبیعی است که زیان آن در درجه اول متوجه محرومین و مردم

در حاشیه رویدادها

پیش از کردن نهادن رئیس جمهور به امر " مقام رهبری " و معرفی رسمی آقای موسوی بعنوان نخست وزیر به مجلس اخیراً باردیگر در جمهوری اسلامی، موج اختلافات، صف بندی ها و جبهه آرایی ها بر سر معرفی نخست وزیر و هیات دولت آینده بالا گرفته بود. در این کارزار پرهیاهو، در یک سو رئیس جمهور و دیگر مخالفان دوآتشه " دولت سالاری " و طرفداران معرفی نخست وزیر و هیات دولت جدید و در سوی دیگر مخالفان آنها در نهادها و سطوح گوناگون حکومتی صف آراسته بودند.

نباید از نظر دور داشت که اوجگیری موج ناخشنودی و جنبش اعتراضی توده های مردم و بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی کشور، به گونه ای عینی در حاکمیت منعکس شده و تاثیر گذارده و به آتش درگیری و کشاکش شدید بین جناح های گوناگون گرداننده رژیم ج.ا.د امن زده است.

- محمد رشیدیان، نماینده آبادان در گفتگویی با " کیهان " به " تعدد مراکز تصمیم گیری در مقابل دولت " و وجود " اختلاف اصولی فکری " و " ناهماهنگی اصولی " که " متأسفانه به جامعه هم کشانده شده " اشاره کرد و گفت: " با این اعتقاد مخالفم که یک دولت با دو طرز تفکر که در مقابل هم باشند... یعنی یک وزیر گوش پدکار رئیس دولت نباشد... او همچنین گفت: " من نمی دانم واقعاً بعضی از برادرها مخصوصاً جناب رئیس جمهور که برای خود من هم سؤال است چگونه در حضور امام فرمودند یکی از بزرگترین مشکلات ما دولت سالاری است... الان کله و شکایت عمده مردم اینست که دولت در کار اقتصادی و این مسائلی که آنها می گویند دولت سالاری است، حضور ندارند... آیا در این جامعه دولت سالاری وجود داشته است. دولت اصلاً حاکمیت اقتصادی داشته یا واقعاً به بازار " (چهار تا آدم سودجوی سرمایه دار) " به قدری آزادی دادند... و این ۷ سال خون مردم را به شیشه کردند. در اثر این برخوردها بود که باعث شد بسیاری از مالکین، فئودال ها و سرمایه دارها برگشتند... یک گروهی دارند بطور خزنده انقلاب را می بلعند... "

آنگاه، رشیدیان ضمن بیان اینکه " رئیس دولت را بنظر من نباید رئیس جمهور معرفی کند " به نمونه ای از اختلاف های رئیس جمهور و نخست وزیر اشاره می کند: " مثلاً الان می بینید از دور اول مجلس شورای اسلامی تا همین حالا که من صحبت می کنم ما سه وزیر عمده نداریم. مثلاً وزیر دفاع نداریم. ریشه اش چه است. برای آنکه نخست وزیر معرفی می کند و رئیس جمهور قبول نمی کند... " (کیهان ۲۱ شهریور ۶۴).

- محمد معزالدین (معزی)، نماینده اصفهان در سخنرانی پیش از دستور مجلس گفت:

" باید مشخص شود که مبارزه با دولت سالاری جهت جلوگیری از رشد قدرت سالاری است... "

پاکستان اسلامی و جمهوری اسلامی

خارجی کشور را به رقم عظیم ۱۲ میلیارد دلار رسانیده است. این سلاحها برای شانناژ و پرووکاسیون علیه کشورهای منطقه و همسایه و بویژه هندوستان توسط آمریکا در پاکستان انباشته می‌شود.

اینک پاکستان مرکز توطئه‌های تروریستی علیه هندوستان است. سیکهای افراطی که مردم بیگناه را در این ایالت و دیگر نقاط هندوستان به خاک و خون می‌کشند و ننگ بزرگ تاریخی کشتن بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر فقیه هندوستان و شخصیت برجسته جهانی را بدوش می‌کشند پس از دیدن آموزش‌های لازم در پاکستان به هندوستان فرستاده می‌شوند. بطوری که دولت هند ستار می‌رشته است مرزهای خود را با این کشور به بند تا مجاری عبور تروریست‌ها را مسدود کند.

بی تردید اگر فردا مردم ایران هم از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند و رژیم دموکراتیکی را جایگزین آن کنند پاکستان مرکز توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه ایران نیز خواهد شد.

دوستی میان سران جمهوری اسلامی ایران با رژیم دیکتاتوری پاکستان از سویی و ترکیه از سوی دیگر چندان هم تصادفی نیست و از تشابهات فراوان در سیاست داخلی و خارجی آنها و از جمله کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی مشروط می‌شود.

بی جهت نیست که گفته‌اند: بمن بگو دوستت کیست تا بگویم کیستی!

افغانستان پخش می‌کند. رهبران جمهوری اسلامی که خود دست اندرکار خرید جنگ افزار از کشورهای غربی هستند و خوب می‌دانند مثلا موشک‌هایی که با آنها هواپیمای مسافربری را سرنگون می‌کنند از کجا بدست راهزنان می‌رسد، بهنگام نقل با آب و تاب و تحسین آمیز اینگونه خبرها در مورد منابع تجهیز ضدانقلابیون سکوت می‌کنند.

در ماه مه سال ۱۹۸۲ ضیاء الحق موافقت نامه- ایرا درباره ایجاد پایگاه‌های متعلق به نیروهای مداخله سریع آمریکا در پاکستان با مقامات آمریکایی منعقد کرد. این نیروها اکنون با شدت و حدت تمام آماده می‌شوند تا موقع لزوم در اقدامات مداخله گرانه علیه کشورهای "ناباب" برای آمریکا در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مورد استفاده قرارگیرند. پاکستان مراکزی را در کراچی و پیشاور و نقاط دیگر پاکستان در اختیار این نیروها گذاشته است.

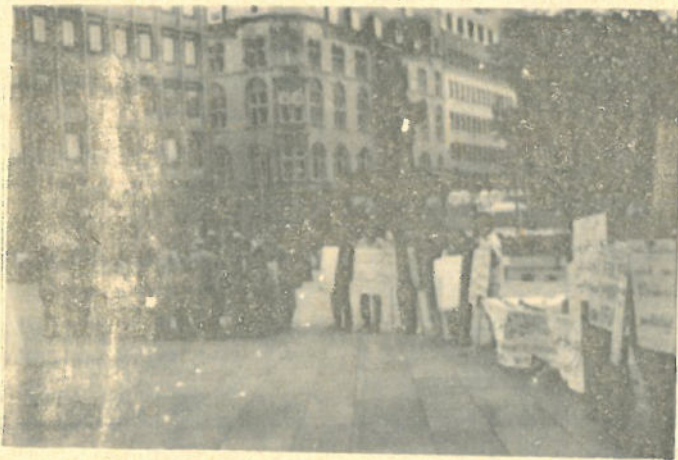
علاوه بر این در پاکستان پایگاه‌های آمریکایی برای جاسوسی الکترونی علیه کشورهای همسایه این کشورها ایجاد شده است. همچنین تعداد مریبان و مشاوران آمریکایی در پایگاه‌های مزدوران افغانی در پاکستان روز بروز بیشتر می‌شود.

ضمنا سیل جنگ افزارهای مدرن آمریکایی بسوی پاکستان روان است و بهای آنها وام‌های

چندی پیش آقای رفسنجانی رئیس مجلس طی گفتگو با یکی از فرستادگان رژیم پاکستان بار دیگر اعلام کرد که جمهوری اسلامی مایل است مناسبات خود را بویژه با کشورهای اسلامی نظیر پاکستان گسترش بخشد.

به زحمت می‌توان گفت که سران جمهوری اسلامی تا آنجا مسحور نام این کشور شده‌اند که دیگر چشمانشان واقعیات را نمی‌بیند. اگر در نظر بگیریم که همینگونه مناسبات "برادرانه" را با رژیم ترکیه عضو پیمان امپریالیستی ناتو نیز دارند خواه ناخواه به این نتیجه می‌رسیم که نوعی دید مشترک در مورد مسائل منطقه و جهان، این سه کشور "اسلامی" را بهم نزدیک کرده است.

در مورد افغانستان این هماهنگی آنقدر آشکار است که نیازی به استدلال ندارد. همه می‌دانند که پاکستان عمده ترین پایگاه سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) برای توطئه چینی و خرابکاری علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان است و ده‌ها پایگاه آموزشی مزدوران افغانی که در آنها مریبان آمریکایی به اشرار درس خرابکاری و آدمکشی می‌دهند در نزدیکی مرزهای مشترک دو کشور مشغول فعالیت است. رادیوی تهران همه روزه به نقل از منابع خبری همین مزدوران یا رسانه‌های امپریالیستی، اخباری را مبنی بر "موفقیت" اشرار در جنگ اعلام شده امپریالیسم و ارتجاع علیه مردم



تظاهرات در کلن علیه جنگ و برای آزادی زندانیان سیاسی

نگاهی به رویدادهای جهان

کمک‌های جدید آمریکا به خون‌آلودای السالوادور

وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا و پنتاگون بگونه‌ای شتاب آلود سرگرم طراحی یک کمک بازم بیشتر به خون‌آلودای السالوادور هستند. بر پایه گزارش نیویورک تایمز، نظامیان السالوادور قرار است در سال جاری ۵۰ میلیون دلار کمک نظامی جدید، افزون بر ۱۲۸ میلیون دلار تصویری کنگره دریافت کنند. بطور مشخص، بخشی از این مبلغ صرف تربیت کادر برای نیروهای مسلح السالوادور خواهد شد. وزیر دفاع و امنیت عمومی السالوادور ناگزیر از اعتراف شد که در سه سال گذشته از سربازان حکومتی تقریباً ۱۰۰۰ تن کشته، زخمی و ناپدید شده‌اند

بنابراین، مزدوران حاکم بر السالوادور دگرباره درصدد جلب دهقانان جوان روستایی به صفوف ارتش هستند. آنها اغلب نوجوانان و حتی کودکان را به "خدمت" ارتش فرامی‌خوانند. امروزه ارتش السالوادور، بزرگترین نیروی سرکوبگر در آمریکای مرکزی و دربرگیرنده ۵۰۰۰ افسر و سرباز یعنی دو برابر تعداد نظامیان این کشور در سال ۱۹۸۱ است.

کمک‌های مالی رسیده:

موشنگ ۱۱ دلار
هاله ۵ دلار
و. ش. ۵۰ مارک

با این وجود، ارتش قادر نیست، جنبش پایداری خلق به رهبری جبهه آزادیبخش ملی فارابندومارتی را که یک چهارم کشور را تحت کنترل دارد، سرکوب کند.

واشنگتن اکنون قصد دارد قدرت کمی ارتش را بازم بیشتر افزایش دهد و برپایه پاره‌ای برآوردها به قیمت میلیون‌ها دلار دیگر، تعداد نفرات آن را به ۱۰۰۰۰ برساند. بدینسان "کمک"‌های آمریکا صرف تربیت مزدوران و آدمکشان و خرید تجهیزات نظامی و جنگ افزار خواهد شد.

NAMEH
MARDOM
No: 72

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

17 Oktober 1985